

<sup>1</sup>Now I say, That the heir, as long as he is a child, differeth nothing from a servant, though he be lord of all;<sup>2</sup>But is under tutors and governors until the time appointed of the father.<sup>3</sup>Even so we, when we were children, were in bondage under the elements of the world:<sup>4</sup>But when the fulness of the time was come, God sent forth his Son, made of a woman, made under the law,<sup>5</sup>To redeem them that were under the law, that we might receive the adoption of sons. And because ye are sons, God hath sent forth the Spirit of his Son into your hearts, crying, Abba, Father.<sup>7</sup>Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.<sup>8</sup>Howbeit then, when ye knew not God, ye did service unto them which by nature are no gods.<sup>9</sup>But now, after that ye have known God, or rather are known of God, how turn ye again to the weak and beggarly elements, whereunto ye desire again to be in bondage?<sup>10</sup>Ye observe days, and months, and times, and years.<sup>11</sup>I am afraid of you, lest I have bestowed upon you labour in vain.<sup>12</sup>Brethren, I beseech you, be as I am; for I am as ye are: ye have not injured me at all.<sup>13</sup>Ye know how through infirmity of the flesh I preached the gospel unto you at the first.<sup>14</sup>And my temptation which was in my flesh ye despised not, nor rejected; but received me as an angel of God, even as Christ Jesus.<sup>15</sup>Where is then the blessedness ye spake of? for I bear you record, that, if it had been possible, ye would have plucked out your own eyes, and have given them to me.<sup>16</sup>Am I therefore become your enemy, because I

<sup>1</sup>ولی می‌گویم: مادامی که وارث صغیر است، از غلام هیچ فرق ندارد، هرچند مالک همه باشد.<sup>2</sup> بلکه زیردست ناظران و وکلا می‌باشد تا روزی که پدرش تعیین کرده باشد.<sup>3</sup> همچنین ما نیز چون صغیر می‌بودیم، زیر اصول دنیوی غلام می‌بودیم.<sup>4</sup> لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد،<sup>5</sup> تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیہ کند تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم.<sup>6</sup> اما چونکه پسر هستی، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند، یا ابا، یعنی، ای پدر.<sup>7</sup> لہذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز به وسیلہ مسیح.

### نگرانی پولس برای غلاطیان

<sup>8</sup>لیکن در آن زمان چون خدا را نمی‌شناختید، آنانی را که طبیعتاً خدایان نبودند، بندگی می‌کردید.<sup>9</sup> اما الحال که خدا را می‌شناسید بلکه خدا شما را می‌شناسد، چگونه باز برمی‌گردید به سوی آن اصول ضعیف و فقیر که دیگر می‌خواهید از سر نو آنها را بندگی کنید؟<sup>10</sup> روزها و ماه‌ها و فصل‌ها و سال‌ها را نگاه می‌دارید؟<sup>11</sup> درباره شما ترس دارم که مبادا برای شما عبث زحمت کشیده باشم.

<sup>12</sup>ای برادران، از شما استدعا دارم که مثل من بشوید، چنانکه من هم مثل شما شده‌ام. به من هیچ ظلم نکردید.<sup>13</sup> اما آگاهید که به سبب ضعف بدنی، اول به شما بشارت دادم.<sup>14</sup> و آن امتحان مرا که در جسم من بود، خوار نشمردید و مکروه نداشتید، بلکه مرا چون فرشته خدا و مثل مسیح عیسی پذیرفتید.<sup>15</sup> پس کجا است آن مبارک‌بادی شما؟ زیرا به شما شادم که اگر ممکن بودی، چشمان خود را بیرون آورده، به من می‌دادید.<sup>16</sup> پس چون به شما راست می‌گویم، آیا دشمن شما شده‌ام؟<sup>17</sup> شما را به غیرت می‌طلبید، لیکن نه به خیر، بلکه می‌خواهند در را بر روی شما ببندند تا شما ایشان را بغیرت بطلبید.<sup>18</sup> لیکن غیرت در امر نیکو در هر زمان نیکو است، نه تنها چون من نزد شما حاضر باشم.<sup>19</sup> ای فرزندان من، که برای شما باز درد زه دارم تا صورت مسیح در شما بسته شود.<sup>20</sup> باری خواهش می‌کردم که الآن نزد شما حاضر

tell you the truth?<sup>17</sup> They zealously affect you, but not well; yea, they would exclude you, that ye might affect them.<sup>18</sup> But it is good to be zealously affected always in a good thing, and not only when I am present with you.<sup>19</sup> My little children, of whom I travail in birth again until Christ be formed in you,<sup>20</sup> I desire to be present with you now, and to change my voice; for I stand in doubt of you.<sup>21</sup> Tell me, ye that desire to be under the law, do ye not hear the law?<sup>22</sup> For it is written, that Abraham had two sons, the one by a bondmaid, the other by a freewoman.<sup>23</sup> But he who was of the bondwoman was born after the flesh; but he of the freewoman was by promise.<sup>24</sup> Which things are an allegory: for these are the two covenants; the one from the mount Sinai, which gendereth to bondage, which is Agar.<sup>25</sup> For this Agar is mount Sinai in Arabia, and answereth to Jerusalem which now is, and is in bondage with her children.<sup>26</sup> But Jerusalem which is above is free, which is the mother of us all.<sup>27</sup> For it is written, Rejoice, thou barren that bearest not; break forth and cry, thou that travailest not: for the desolate hath many more children than she which hath an husband.<sup>28</sup> Now we, brethren, as Isaac was, are the children of promise.<sup>29</sup> But as then he that was born after the flesh persecuted him that was born after the Spirit, even so it is now.<sup>30</sup> Nevertheless what saith the scripture? Cast out the bondwoman and her son: for the son of the bondwoman shall not be heir with the son of the free woman.<sup>31</sup> So then, brethren, we are not children of the bondwoman, but of the free.

می‌بودم تا سخن خود را تبدیل کنم، زیرا که درباره شما متحیر شده‌ام.

### هاجر و سارا

<sup>21</sup> شما که می‌خواهید زیر شریعت باشید، مرا بگویید: آیا شریعت را نمی‌شنوید؟<sup>22</sup> زیرا مکتوب است، ابراهیم را دو پسر بود، یکی از کنیز و دیگری از آزاد.<sup>23</sup> لیکن پسر کنیز، برحسب جسم تولد یافت و پسر آزاد، برحسب وعده.<sup>24</sup> و این امور بطور مثل گفته شد زیرا که این دو زن، دو عهد می‌باشند، یکی از کوه سینا برای بندگی می‌زاید و آن هاجر است.<sup>25</sup> زیرا که هاجر، کوه سینا است، در عَرَب، و مطابق است با اورشلیمی که موجود است، زیرا که با فرزندان در بندگی می‌باشد.<sup>26</sup> لیکن اورشلیم بالا آزاد است که مادر جمیع ما می‌باشد.<sup>27</sup> زیرا مکتوب است: ای نازاد که نزاییده‌ای، شاد باش! صدا کن و فریاد برآور ای تو که درد زه ندیده‌ای، زیرا که فرزندان زن بی‌کس از اولاد شوهردار بیشتراند.<sup>28</sup> لیکن ما، ای برادران، چون اسحاق، فرزندان وعده می‌باشیم.<sup>29</sup> بلکه چنانکه آنوقت آنکه برحسب جسم تولد یافت، بر وی که برحسب روح بود جفا می‌کرد، همچنین الآن نیز هست.<sup>30</sup> لیکن کتاب چه می‌گوید؟ کنیز و پسر او را بیرون کن زیرا پسر کنیز با پسر آزاد میراث نخواهد یافت.<sup>31</sup> خلاصه، ای برادران، فرزندان کنیز نیستیم بلکه از زن آزادیم.